

تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا

علی ساعی*، زهیر کریمی**

(تاریخ دریافت 91/3/91، تاریخ پذیرش 91/10/20)

چکیده: موضوع این پژوهش مطالعه فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا می‌باشد. در این پژوهش از تئوری گابریل آلموند و سیدنی وریا الهام گرفته شده است. فرضیه‌های این پژوهش بر اساس منطق فازی فرموله و بر درجه عضویت اصلاح طلبان و اصول‌گرایان در مجموعه فرهنگ سیاسی تاکید شده است. فرضیه پژوهش حاضر آن است که در زیر مجموعه‌های اعتماد سیاسی، احساس قدرت سیاسی و احساس امنیت سیاسی، اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو می‌باشند. در زیر مجموعه‌های حمایت از آزادی بیان، تساهل و مدارا و احترام به حقوق شهروندی اصول‌گرایان بیشتر غیرعضو و اصلاح طلبان بیشتر عضو می‌باشند. نمونه‌های پژوهش، اعضای احزاب و انجمن‌های سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا هستند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی، احساس قدرت سیاسی و احساس امنیت سیاسی اصلاح طلبان نسبت به اصول‌گرایان پایین‌تر است و حمایت از آزادی بیان، تساهل و مدارا و احترام به حقوق شهروندی در اصلاح طلبان نسبت به اصول‌گرایان بالاتر است.

مفاهیم کلیدی: فرهنگ سیاسی، نخبگان سیاسی، اصلاح طلبان، اصول‌گرایان، نظام سیاسی، پوپولیسم سیاسی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) saeia@modares.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس karimi_zoheir@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره 4، زمستان 1391، ص. 116-148

طرح مسأله

فرهنگ سیاسی نخبگان " با ایستارها، احساسات و الگوهای رفتاری کسانی سرو کار دارد که در درون نظام سیاسی از طریق گردش کار ویژه استخدام سیاسی، به نقش‌های فعالی دست یافته‌اند و بر برون‌دادهای نظام تأثیری مستقیم دارند" (لوسین پای و همکاران، 1380:161).

در این پژوهش سعی می‌شود فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران (اصلاح طلب و اصول‌گرا) مقایسه و گونه‌شناسی شود و تلاش می‌شود نقص‌ها و کاستی‌های موجود در پژوهش‌های پیشین را جبران کرده و مقایسه دقیق‌تری از فرهنگ سیاسی نخبگان ارائه شود. رجوع به پژوهش‌های پیشین نشانی می‌دهد که در باب فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی، پژوهش‌های اندکی در ایران انجام شده است.

پژوهش‌های انجام شده در خصوص فرهنگ سیاسی نخبگان را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: پژوهش‌هایی که فرهنگ سیاسی نخبگان را زمینه‌ایی برای توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه می‌دانند؛ آن‌ها استدلال می‌کنند که در جامعه ایران، یکی از عوامل عدم دسترسی به توسعه سیاسی فرهنگ نامناسب نخبگان سیاسی است. در اغلب این پژوهش‌ها، از مفهوم فرهنگ سیاسی استفاده ابزاری برای رسیدن به یک کارکرد اجتماعی شده است. پژوهش‌هایی مانند سید امامی (1376)، نصرتی نژاد (1379) و وردی زاده (1384) در این دسته قرار می‌گیرند. بیشتر این پژوهش‌ها در مدل مفهومی خود از تمام ابعاد و سطوح فرهنگ سیاسی استفاده نکردند. این پژوهش‌ها نمی‌توانند به درستی بازتاب فرهنگ سیاسی این گروه‌ها باشند.¹ برخی از این پژوهش‌ها برای تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و متون به جای مانده از این افراد را مورد بررسی قرار داده‌اند، در صورتی که با این روش برخی از ابعاد فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.² پژوهش نصرتی نژاد (1379) و وردی زاده (1384) در این دسته قرار می‌گیرند. اغلب این پژوهش‌ها برای تحلیل فرهنگ سیاسی از مؤلفه‌های غیر بومی استفاده کرده‌اند، در صورتی برای درک درست از فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران باید مؤلفه‌های بومی فرهنگ سیاسی را نیز مد نظر قرار داد (ر،ک به

1. باید اشاره کرد که در برخی از این پژوهش‌ها، در قسمت مدل تئوریک خود دست به تئوری سازی زده‌اند بدین منظور که از دل چند تئوری فرهنگ سیاسی یک تئوری ساخته شده است، در صورتی که باید ذکر کرد در اغلب این پژوهش‌ها درک درستی از یک تئوری نشده است. و شاخص‌های فرهنگ سیاسی بدون دلیلی محکم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و این در حالی است که برخی از شاخص‌های مهم، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. پژوهش نصرتی نژاد (1379) در این دسته می‌گنجد.

1. باید به این نکته اشاره کرد که به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی ایران نخبگان فعال سیاسی در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود از بیان برخی نظرات چشم پوشی می‌کنند. و در برخی از شاخص‌ها که مربوط به نظام سیاسی می‌باشد این امر بیشتر قابل توجه است.

سیدامامی، 1376؛ نصرتی نژاد، 1379؛ وردی زاده، 1384). قرار دادن نخبگان سیاسی در گونه‌های مختلف فرهنگ سیاسی نمی‌تواند به درستی نشان دهنده فرهنگ سیاسی این گروه باشد. به این دلیل که این گونه‌ها تیپ ایده‌آل هستند و در واقعیت وجود ندارند. برای نزدیک کردن این گونه‌شناسی‌ها به واقعیت جامعه، می‌بایست فرهنگ سیاسی نخبگان را در یک طیف مطرح کرد، که در پژوهش‌های مورد بررسی، این امر مغفول واقع شده است. دسته دوم پژوهش‌هایی است که به بررسی تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در یک دوره زمانی پرداخته‌اند. این دسته از پژوهش‌ها قائل به تحول فرهنگ سیاسی هستند. در این پژوهش‌ها بیشتر از روش‌های تاریخی - تطبیقی استفاده شده است و نظریات جدیدتری را از فرهنگ سیاسی مورد استفاده قرار داده‌اند. پژوهش‌های قیصری (1380)، علی اکبر سروانی (1383) و ابراهیم آبادی (1384) در این دسته قرار می‌گیرند. در برخی از پژوهش‌ها بدون بحث در مورد این که آیا فرهنگ سیاسی قابل تحول و تغییر است یا خیر، تحول فرهنگ سیاسی را امری مفروض گرفته‌اند. پژوهش سروانی (1383) و ابراهیم آبادی (1384) در این دسته قرار می‌گیرد.¹

در پژوهش حاضر کوشش شده است برخی کاستی‌های موجود در پژوهش‌های پیشین برطرف گردد. هدف مقاله تحلیل توصیفی فرهنگ سیاسی نخبگان است. بنابراین ما به دنبال چرایی شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نخبگان ایران نیستیم بلکه تنها در صدد توصیف این نوع از فرهنگ می‌باشیم. بنابراین سؤال‌های این پژوهش را این‌گونه می‌توان بیان کرد:

1. فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا در ایران چگونه است؟
2. تشابه‌ها و تفاوت‌های فرهنگ سیاسی اصلاح طلبان و اصول‌گرایان در ایران کدامند؟

استدلال نظری

در این پژوهش تئوری‌های فرهنگ سیاسی به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند؛ 1. تئوری‌های غیر بومی؛ 2. تئوری‌های بومی. در تئوری‌های فرهنگ سیاسی غیر بومی نوع شناسی از فرهنگ سیاسی، معمولاً در بین چندین جامعه انجام شده است. ، شروع این پژوهش‌ها را می‌توان با کتاب فرهنگ مدنی² گابریل آلموند و سیدنی وربا دانست.

آلموند و وربا جهت‌گیری نسبت به فرهنگ سیاسی را شامل سه بُعد می‌دانند: جهت‌گیری شناختی³. این بُعد به آگاهی از نظام سیاسی، نقش‌هایش، ضرورت نقش‌ها و درون‌داده‌هایش (ورودی‌ها) و برون‌داده‌هایش (خروجی) دلالت می‌کند. بعد شناختی بر چگونگی شناخت ساختارهای اساسی و

2. با توجه به این که این پژوهش در مورد گونه شناسی فرهنگ سیاسی نخبگان است، به دسته اول پژوهش‌های انجام شده بیشتر توجه شده است به این دلیل که به موضوع کار این پژوهش نزدیک‌تر می‌باشد.

1. Civic culture
3. Cognitive Orientation

قواعد سیاست اشاره دارد؛ جهت‌گیری احساسی¹: این بعد از فرهنگ سیاسی به معنای احساس وابستگی، دخالت، طرد و امثال آن در مورد موضوعات سیاسی است. به‌عنوان مثال احساس موافقت یا مخالفت شخص نسبت به رهبران نظام سیاسی؛ جهت‌گیری ارزیابانه²: این بعد به معنای قضاوت راجع به موضوعات سیاسی است، این بعد قضاوت و عقاید افراد درباره موضوعات سیاسی را شامل می‌گردد، در این بعد فرد به ترکیب معیارهای ارزشی خود با اطلاعات و احساسات می‌پردازد (آلموند و وربا، 1965: 14).

بر اساس دیدگاه آلموند و وربا این سه بُعد می‌توانند ناظر بر سه سطح از واقعیت سیاسی نیز باشند این سه عبارتند از: 1. سطح نظام سیاسی؛ 2. سطح فرآیند سیاسی؛ 3. سطح سیاست‌گذاری؛ در سطح نظام سیاسی جهت‌گیری ذهنی شهروندان درباره ارزش‌ها و سازمان‌هایی که نظام سیاسی را بر گرد خود سامان می‌دهند و شناخت‌های ایشان درباره نظام سیاسی قابل بررسی است. در سطح فرآیند سیاسی جهت‌گیری‌های ذهنی افراد برای دخالت در فرایندهای ارائه خواسته‌ها، اطاعت از قانون، مشارکت در سیاست، حمایت از احزاب و گروه‌های سیاسی و غیره بررسی می‌شود. در سطح سیاست‌گذاری نیز این مسئله بررسی می‌شود که شهروندان چه سیاست‌هایی را از حکومت انتظار دارند، تعیین چه اهدافی را مطلوب می‌پندارند، چه راهی را برای رسیدن به این اهداف درست می‌دانند و نگرش آن‌ها درباره سیاست‌هایی که اعمال می‌شود چیست (آلموند و وربا، 1965: 14). آلموند و وربا بر اساس نوع نگرش و سمت‌گیری به سیاست، فرهنگ سیاسی را به چند نوع تقسیم کردند؛ 1. فرهنگ سیاسی مشارکتی؛³ 2. فرهنگ سیاسی تبعی؛⁴ 3. فرهنگ سیاسی کوچک‌اندیشانه⁵ (همان: 17).

روزنبام فرهنگ سیاسی را از جنس جهت‌گیری ذهنی نسبت به مسائل سیاسی می‌داند، اما او این تعریف را رضایت‌بخش نمی‌داند و معتقد است که باید مشخص ساخت جهت‌گیری ذهنی چه چیزهایی را در بر می‌گیرد، روزنبام با توجه به تعاریف متعددی که از فرهنگ سیاسی به عمل آمده است به ذکر انواع دیگری از فرهنگ سیاسی می‌پردازد. او پس از معرفی اجزاء و عناصر سیاسی به دسته‌بندی فرهنگ سیاسی می‌پردازد و معتقد است که غیر محتمل خواهد بود که در جوامع مدرن، فرهنگ سیاسی یک دستی یافت شود، به جای آن جهت‌گیری‌های مختلف وجود دارد، به‌طوری که فرهنگ سیاسی واقعی مخلوطی از عناصر مختلف است. بر اساس نظر روزنبام افزون بر سه نوع فرهنگ سیاسی

1. Affective Orientation
2. Evaluational Orientation
3. Participant

۲. در برخی منابع این نوع از فرهنگ سیاسی به فرهنگ سیاسی رعیتی هم ترجمه شده است .
 3. در برخی منابع این نوع از فرهنگ سیاسی به فرهنگ سیاسی محدود، بسته یا حاشیه‌ایی هم ترجمه شده است.

مطرح شده توسط آلموند و وربا، انواع دیگری از فرهنگ سیاسی وجود دارد که او به بررسی آن‌ها پرداخته است؛ 1. فرهنگ سیاسی مدنی؛ 2. فرهنگ سیاسی ایدئولوژیک؛ 3. فرهنگ سیاسی همگن؛ 4. فرهنگ سیاسی چند پاره؛ 5. فرهنگ سیاسی پیوسته و ناپیوسته (روزنبا، 1975: 143-149).

تئوری العاذر¹ با بقیه تئوری‌ها متفاوت است، العاذر این تئوری را بر اساس شرایط تاریخی و جغرافیایی جامعه آمریکا انجام داده است بنابراین تئوری یاد شده فقط مربوط به جامعه آمریکا می‌باشد و در جوامع دیگر کاربرد ندارد. العاذر تئوری خود را در جامعه آمریکا بر اساس الگوهای مهاجرتی از گروه‌های دینی و اخلاقی در این جامعه انجام داده است. او سه خرده فرهنگ سیاسی متفاوت را در این جامعه، شناسایی و تئوریزه کرده است؛ 1. خرده فرهنگ سیاسی اخلاق گرا؛ 2. خرده فرهنگ سیاسی فرد گرا؛ 3. خرده فرهنگ سیاسی سنتی⁴ (العاذر، 1984).

آلموند و پاول براساس این که فرهنگ‌های سیاسی در قبال موضوعات مربوط به سیاست‌گذاری و ترتیبات مشروع حکومت و سیاست چه دیدگاهی دارند، دونوع فرهنگ سیاسی را شناسایی کرده‌اند: 1. فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا⁵: در این نوع فرهنگ معمولاً شهروندان در مورد شیوه مناسب تصمیم‌گیری سیاسی و اینکه مسایل اصلی جامعه چیست و چگونه باید آن‌را حل کرد، هم نظرند؛ 2. فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا⁶: در این نوع فرهنگ سیاسی، شهروندان از لحاظ نظراتی که مورد مشروعیت رژیم در راه حل مشکلات اصلی دارند، به شدت دچار گسیختگی هستند (آلموند و پاول، 1992: 20).

تسلر با بررسی دیدگاه‌های نویسندگان مختلف، شش عنصر را به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک در نظر می‌گیرد: 1. حمایت از برابری جنسیتی⁷؛ 2. مدارا⁸؛ 3. اعتماد⁹؛ 4. مشارکت مدنی¹⁰؛ 5. علاقه سیاسی¹¹؛ 6. دانش سیاسی¹². مشخصه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک عبارت‌اند از: مدارا با نگرش‌های سیاسی متنوع، حمایت از برابری جنسیتی، علاقه‌مندی به مسائل سیاسی، آگاهی از امور سیاسی، مشارکت در زندگی مدنی و جمعی و اعتماد به دیگران. فرهنگ سیاسی عمل‌گرا

-
1. Elzar
 2. Moralistic
 3. Individualistic
 4. Traditionalistic
 5. Consensual Political Culture
 6. Conflitual Political Culture
 7. Gender Equality
 8. Tolerance
 9. Trust
 10. Civil Participation
 11. Political Interest
 12. Political Knowledge

نگرش‌های سیاسی متنوع را بر نمی‌تابد و از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کند اما به سیاست علاقه‌مند است و از امور سیاسی آگاهی دارد، در فعالیت‌های مدنی و جمعی فعال است و به دیگران اعتماد دارد. فردی که جهت‌گیری سیاسی او بی‌تفاوت است نگرش‌های سیاسی متنوع را می‌پذیرد و از برابری جنسیتی حمایت می‌کند اما به سیاست علاقه ندارد از امور سیاسی بی‌اطلاع است در فعالیت‌های مدنی مشارکت نمی‌کند و به دیگران اعتماد ندارد و بالاخره فرهنگ سیاسی کوتاه‌فکرانه نگرش‌های متنوع سیاسی را نمی‌پذیرد با برابری جنسیتی مخالف است، به سیاست بی‌علاقه است، آگاهی سیاسی ندارد و در فعالیت‌های جمعی و مدنی مشارکت نمی‌کند و به دیگران اعتماد ندارد (تسلر، 2011: 203-207).

در باب تئوری‌های فرهنگ سیاسی بومی باید گفت، یکی از اولین جامعه‌شناسانی که در این خصوص کار کرده است، مسعود چلبی است. چلبی فرهنگ سیاسی را به دو نوع تقسیم می‌کند: 1. فرهنگ سیاسی مردم سالار؛ 2. فرهنگ سیاسی رهبرسالار (استبدادی) و برای هر یک از آن‌ها شش بعد قایل است، ابعاد فرهنگ سیاسی مردم سالار عبارت‌اند از: گرایش به اقتدارگرایی کنترل شده و محدود؛ وفاداری سیاسی به صورت عام؛ اعتماد سیاسی به صورت کم و بیش؛ نبود یا ناچیز بودن آنومی سیاسی؛ محدود و کم بودن شکاف بین توده‌ها و نخبگان؛ پذیرفتن فرض بنیادی برابری انسان‌ها. فرهنگ سیاسی رهبرسالار دارای ابعاد زیر است: 1. گرایش به اقتدارگرایی؛ 2. وفاداری بخشی و محلی سیاسی؛ 3. بی‌اعتمادی سیاسی؛ 4. آنومی سیاسی؛ 5. کمی و کیفی بودن شکاف بین توده‌ها و نخبگان؛ 6. عدم پذیرش فرض بنیادی برابری انسان. فرهنگ سیاسی رهبرسالار آمادگی این امر را دارد که تراکم سیاسی را در جامعه تشدید کند (چلبی، 1375).

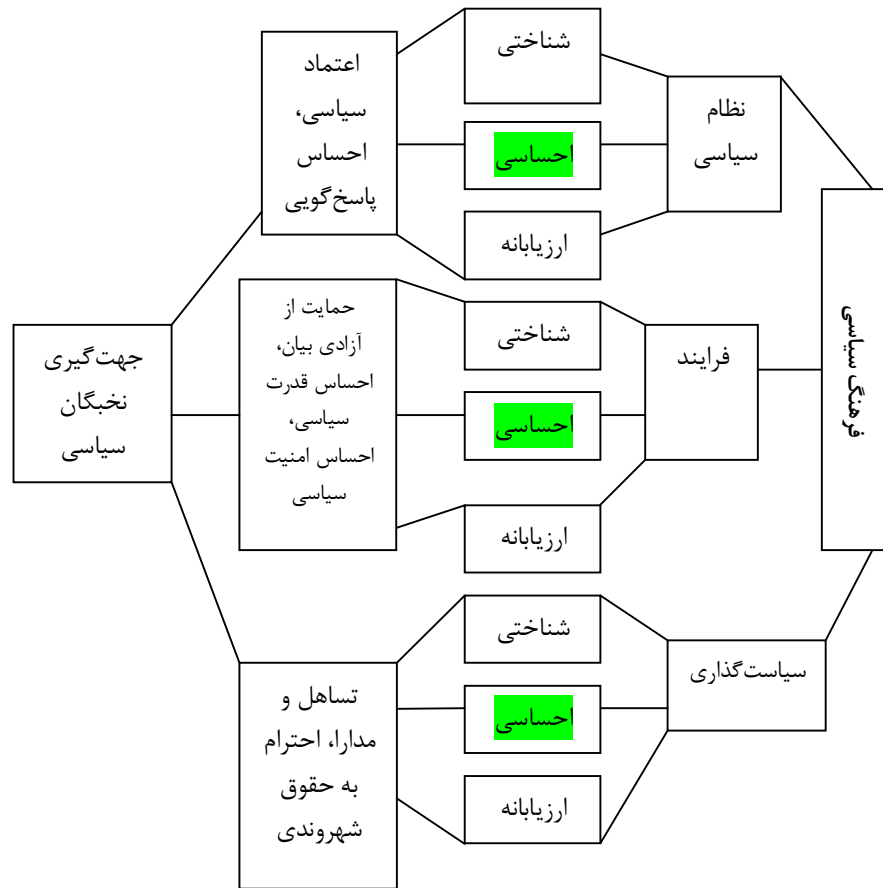
سریع القلم در پژوهش خود با عنوان **مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران**، سه ویژگی برای فرهنگ سیاسی عشیره‌ای بیان می‌کند که این سه ویژگی همواره در این سه دوره تاریخی و جاری و در فرهنگ سیاسی ایرانیان تأثیرگذار بوده و هست: 1. خویشاوندگرایی؛ 2. روحیه جنگ‌آوری و ستیزه‌جویی؛ 3. بقا و بسط عشیره از طریق تهاجم و غارت. سریع القلم در ادامه به بررسی این سه ویژگی در سه دوره تاریخی اشاره شده پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که تداوم فرهنگ سیاسی در نظام‌های سیاسی ایران باعث به تأخیر افتادن تلقیات جمعی از منافع و اهداف ملی شده و فرهنگ حذف و بی‌اعتمادی، عدم توانایی در ایجاد ارتباطات اسلامی استدلالی را رواج داده است (سریع القلم، 1377).

بشیریه معتقد است که فرهنگ سیاسی یکی از پشتوانه‌های نگرش و ایدئولوژی گروه حاکمه است، وی دو نوع فرهنگ سیاسی را از یکدیگر جدا می‌کند؛ 1. فرهنگ سیاسی تابعیت (پاتریمیونالیستی)¹؛ 2. فرهنگ سیاسی مشارکتی (بشیریه، 1380).

سمیح فارسون و مهرداد مشایخی هم در کتابی تحت عنوان فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی که شامل مجموعه‌ای از مقالات است، فرهنگ سیاسی ایران را بستر و زمینه وقوع انقلاب اسلامی معرفی می‌کنند و آن را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. آنان چهار نوع فرهنگ سیاسی را در اواسط دهه 1970 در ایران شناسایی کرده‌اند: 1. فرهنگ سیاسی سلطنتی؛ 2. فرهنگ سیاسی اسلام‌گرا؛ 3. فرهنگ سیاسی ملی‌گرا؛ 4. فرهنگ سیاسی جامعه‌گرا (سمیح فارسون و مهرداد مشایخی، 1387).

در این پژوهش با بررسی انواع تئوری‌های موجود در فرهنگ سیاسی، تئوری آلموند و وربا به دلیل این که به نظر می‌رسد کامل‌ترین و جامع‌ترین تئوری در زمینه فرهنگ سیاسی است و توانایی تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران را دارد، برای تعیین جهت‌گیری نخبگان سیاسی ایران استفاده شده است. بنابراین مدل مفهومی این پژوهش به صورت شکل (1) تنظیم شده است؛ بر اساس این مدل برای فرهنگ سیاسی می‌توان دو بعد را در نظر گرفت: 1. فرهنگ سیاسی دموکراتیک؛ 2. فرهنگ سیاسی اقتدارگرا (پاتریمیونال). هر کدام از این دو بعد دلالت بر بازنمایی نوع جهت‌گیری نخبگان سیاسی دارد. این دو بعد فرهنگ سیاسی از دل تئوری آلموند و وربا بیرون آمده است. هر کدام از این ابعاد تیپ ایده آل هستند و در واقعیت هیچ فرهنگ سیاسی را نمی‌توان یافت که کاملاً دموکراتیک یا کاملاً اقتدارگرا باشد، بلکه فرهنگ‌های سیاسی مابین این دو فرهنگ در نوسان هستند. این طور می‌توان گفت که فرهنگ سیاسی در بازه دموکراتیک و اقتدارگرا قابل فهم است. بر اساس بحث نظری منطقی می‌توان از نه مقوله قابل بررسی در عرصه فرهنگ سیاسی سخن گفت که حاصل تقاطع سه نوع جهت‌گیری ذهنی در خصوص سه سطح واقعیت سیاسی است. بررسی این مقولات می‌تواند تصویر جامع‌تری از فرهنگ سیاسی نخبگان در یک مقطع زمانی ارائه دهد (جدول شماره 1).

1. در معنای پدرسالاری هم به کار می‌رود.



نمودار شماره 1. مدل مفهومی پژوهش

جدول شماره 1. ابعاد مطالعه فرهنگ سیاسی

سیاست ها	فرایند سیاسی	نظام سیاسی	ابعاد سطح
شناخت سیاست ها	شناخت فرایند سیاسی	شناخت نظام سیاسی	شناختی
احساسات نسبت به سیاست ها	احساسات نسبت به فرایند سیاسی	احساسات نسبت به نظام سیاسی	احساسی
ارزیابی سیاست ها	ارزیابی فرایند سیاسی	ارزیابی نظام سیاسی	ارزیابانه

- تفاوت نگرش در این ابعاد می‌تواند جهت‌گیری‌های متفاوت فرهنگ سیاسی را به وجود آورد، که در این پژوهش دو نوع آن مورد بررسی قرار گرفته است.
- با توجه به این که سؤالات پژوهش از نوع توصیفی است، بنابراین فرضیه‌هایی با عناصر مفهومی مبتنی بر گزاره‌های حملی توصیفی ساخته شده‌اند.¹ بر اساس دستگاه مفهومی این پژوهش دو بعد از فرهنگ سیاسی برای مطالعه فرهنگ سیاسی نخبگان ایران مد نظر قرار گرفته شده است. با توجه به این که این پژوهش برمبنای منطق فازی است، فرضیه‌ها نیز فازی ساخته شده‌اند. درجه عضویت اصول‌گرایان و اصلاح طلبان در مجموعه فرهنگ سیاسی تفاوت کمی و کیفی می‌پذیرند به طوری که:
1. اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه اعتماد سیاسی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند.
 2. اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه احساس پاسخ‌گویی مسئولین دولتی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند.
 3. اصول‌گرایان بیشتر غیر عضو و اصلاح طلبان عضو زیر مجموعه حمایت از آزادی بیان از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند.
 4. اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه احساس قدرت سیاسی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند.
 5. اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه احساس امنیت سیاسی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند.
 6. اصول‌گرایان بیشتر غیر عضو و اصلاح طلبان بیشتر عضو زیر مجموعه تساهل و مدارا از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند.
 7. اصول‌گرایان بیشتر غیر عضو و اصلاح طلبان بیشتر عضو زیر مجموعه احترام به حقوق شهروندی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند.

تعریف عملیاتی مفاهیم

گذار از سطح نظری به سطح تجربی نیازمند تعریف عملیاتی مفاهیم است. در سطح نظری مفاهیم بررسی شده انتزاعی هستند، تطبیق این مفاهیم با واقعیت محتاج تعریف و تبدیل آن‌ها به سنجه‌های قابل مشاهده است. بنابراین مفاهیم بررسی شده در این پژوهش تعریف نظری و عملی می‌شود.

۱. بیشتر پژوهش‌های توصیفی در ایران فاقد فرضیه تحقیق هستند در صورتی که پژوهش‌های توصیفی هم مانند پژوهش‌های تبیینی نیازمند هدایت تئوریک می‌باشند (ساعی، 1386: 66)؛ که این امر با به کار بردن فرضیه؛ که همان جوابی است به سؤال‌های پژوهش که از دل تئوری‌های مرور شده بیرون آمده است؛ حاصل می‌شود.

معرف‌های تجربی فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی دارای معرف‌هایی است. در این پژوهش هفت مؤلفه از فرهنگ سیاسی سنجیده شده است، که در این قسمت معرف‌های تجربی هر هفت مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته است.

1. اعتماد سیاسی: این پژوهش حاوی دو بعد از اعتماد سیاسی است: 1. اعتماد بین شخصی 2. اعتماد نهادی. می‌توان معرف‌های مفهوم اعتماد بین شخصی را شامل این موارد دانست: 1. تخصص مسئولان دولت در زمینه کار خود. 2. تجربه مسئولان دولت در انجام وظایف. 3. احساس وظیفه مسئولان دولت نسبت به مردم. 4. یکی بودن حرف و عمل مسئولان دولت. 5. اعتماد به صداقت و راست‌گویی مسئولان دولت. 6. در چاقوب قانون عمل کردن مسئولان دولت. 7. وجود شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولان دولت. 8. ترجیح مسئولان دولت از منافع فردی به منافع گروهی و همین طور می‌توان معرف‌های مفهوم اعتماد نهادی را شامل این موارد دانست: 1. اعتماد به مجلس شورای اسلامی در تصویب قوانین مربوط به تضمین حقوق شهروندی مانند آزادی بیان و آزادی عقیده. 2. اعتماد به شورای نگهبان در تایید نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری از حیث توجه به شایسته‌سالاری. 3. اعتماد به دادگاه‌ها در خصوص عدالت قضایی مانند عدم تبعیض، رعایت اصل بی‌گناهی افراد. 4. اعتماد به صدا و سیما از جهت صداقت و راست‌گویی در ارائه اخبار. 5. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق مدنی مانند حق آزادی بیان. 6. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق مدنی مانند حق اعتراض. 7. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند حق رای دادن. 8. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند حق نمایندگی شدن. 9. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند حق برخورداری از عدالت. 10. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی. 11. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق آموزش. 12. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق مسکن. 13. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق بهداشت. 14. اعتماد به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق داشتن درآمد. 15. اعتماد به اقدامات وزرات رفاه برای حل مشکلات بیکاری. 16. اعتماد به وزرات‌خانه‌های دولتی نسبت به جلوگیری از حیف و میل بیت المال. 17. اعتماد به وزرات‌خانه‌های دولتی نسبت به بهره‌برداری درست از ذخایر ارزی.

2. احساس پاسخ‌گویی مسئولین دولتی: منظور پاسخ‌گویی مسئولان دولتی نسبت به عملکرد خود به شهروندان است. شاخص احساس پاسخ‌گویی مسئولان دولتی از نخبگان سیاسی، نزدیکی بسیار زیادی با شاخص اعتماد بین شخصی دارد. معرف‌های این مفهوم را می‌توان شامل این موارد دانست: 1.

توانایی مؤاخذه کردن مسئولان دولتی در صورت نارضایتی مردم. 2. عذرخواهی مسئولان دولتی در صورت انجام اشتباه. 3. رسیدگی و مجازات عادلانه برای مسئولان در صورت انجام عمل غیرقانونی. 4. رسیدگی به شکایت مردم از مسئولان دولتی.

3. احساس قدرت سیاسی: گویای توانایی دخالت و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تأثیرگذاری رفتاری بر نخبگان سیاسی دیگر است (زونیس، 1387: 13). معرف‌های این مفهوم را می‌توان شامل این موارد دانست: 1. پیچیده دانستن سیاست ایران. 2. ارتباط برقرار کردن با مسئولان بالای رتبه نظام. 3. دسترس‌پذیری مسئولان رتبه بالای نظام. 4. توانایی دخالت در تصمیمات نظام. 5. توانایی تغییر مسئولان در صورت نیاز. 6. توانایی تغییر برخی قوانین در مجلس شورای اسلامی.

4. احساس امنیت سیاسی: به معنی مصونیت تمام فعالان سیاسی و شهروندان در برابر حکومت برای انجام فعالیت‌های سیاسی است (زونیس، 1387: 362). معرف‌های این مفهوم را می‌توان شامل این موارد دانست: 1. توانایی انتقاد کردن نسبت به عملکرد دولت. 2. توانایی انجام فعالیت‌های سیاسی 3. احترام حکومت به جان، مال و حقوق همه شهروندان..

5. حمایت از آزادی بیان: آزادی بیان یعنی هر فرد بدون ترس از دولت و حکومت بتواند عقاید و نظرات خود را به راحتی مطرح کند (آلموند، وربا، 1965: 364). معرف‌های این مفهوم را می‌توان شامل این موارد دانست: 1. توانایی روزنامه‌ها در نوشتن آزاد واقعیت. 2. حق انتقاد از افراد، سازمان‌ها و حکومت در مجله‌ها، روزنامه‌ها و کتاب‌ها. 3. سودمند بودن وجود رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران. 4. سودمند بودن استفاده مردم از رادیو، تلویزیون‌های خارجی یا اینترنت. 5. تاسیس نهادهایی برای صیانت از آزادی بیان.

6. تساهل و مدارا: تساهل و مدارا به معنی احترام به تنوع تفکرات، ترجیحات و اعتقادات افراد است (همان). معرف‌های این مفهوم را می‌توان شامل این موارد دانست: 1. اجازه دولت به مخالفانش در آزادانه بیان کردن عقاید خود. 2. اجازه ابراز عقیده به کسانی که به اسلام اعتقاد ندارند. 3. حق کاندیدا داشتن منتقدان دولت در انتخابات ریاست جمهوری. 4. حق استخدام شدن کسانی که به هیچ دینی اعتقاد ندارند در سازمان‌های دولتی. 5. مصونیت افراد در موارد صحبت بر علیه حکومت. 6. حق ادامه فعالیت حزب مشارکت مانند احزاب دیگر، بعد از جریان انتخابات سال 1388. 7. آزاد گذاشتن مردم در پذیرش آراء و نظریات جدید. 8. حق اکران فیلم‌های مخالف سیاست دولت.

7. احترام به حقوق شهروندی: حقوق شهروندی حقوقی است که گروه‌های مختلف جامعه از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تایید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی هستند. جدول حقوق شهروندی ژنواسکی مبنا قرار گرفته شده است که در آن هر شهروندی این حقوق را دارد: 1. حق رأی دادن. 2. حق اعتراض. 3. حق آزادی بیان. 4. احترام به حوزه خصوصی. 5. حق انتقاد کردن از

حکومت 6. حق تشکیل حزب 7. حق سازمان‌دهی نهادهای مدنی 8. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن. البته در انتخاب گویه‌ها به قانون اساسی ایران نیز توجه شده است. معرف‌های این مفهوم را می‌توان شامل این موارد دانست: 1. سازگاری رأی مردم با مراجع در انتخابات. (بر اساس اصل 6 قانون اساسی) 2. درست بودن تصمیم دولت در ندادن مجوز به اعتراضات (بر اساس اصل 27 قانون اساسی) 3. حق مشارکت تمام افراد در تشکلهای مدنی (بر اساس اصل 24 و 26 قانون اساسی) 4. حق افراد در آزادی انتخاب نوع پوشش 5. وظیفه نیروی انتظامی در مقابله با بدحجابی (بر اساس اصل 23 قانون اساسی).

نخبگان سیاسی

منظور از نخبه¹ اشاره به افرادی است که از لحاظ اجتماعی، عقلی، شغلی، تحصیلی و یا پایگاه سیاسی در یک جامعه از موقعیت برتری برخوردارند. گروه‌های برتر یا نخبگان یک جامعه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: نخبگان سیاسی، نخبگان فکری، نخبگان اقتصادی، نخبگان نظامی و غیره و به پیروی از پارتو نخبگان سیاسی را نیز می‌توان به دو دسته حاکم و غیر حاکم دسته بندی کرد (آرون، 1386: 546). در این پژوهش از میان نخبگان ایرانی تنها نخبگان سیاسی را مورد توجه قرار خواهیم داد. منظور این پژوهش از نخبگان سیاسی دارندگان مناصب مهم سیاسی مانند ریاست جمهوری، وزارت، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، نمایندگی مجلس خبرگان و نهادهای زیر مجموعه آنها و دارندگان مقامات عالی دولتی (یا کشوری) و رهبران و اعضای فعال احزاب، انجمن‌ها، سندیکاها و اتحادیه‌ها است.

معرف‌های تجربی نخبگان سیاسی

اصلاح طلبان: 1. حزب کارگزاران سازندگی 2. حزب اعتماد ملی 3. مجمع روحانیون مبارز 4. حزب مردم سالاری 5. انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها 6. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران. اصول‌گرایان: 1. جمعیت مؤتلفه اسلامی 2. حزب ایثارگران انقلاب اسلامی 3. آبادگران 4. جامعه مهندسين اسلامى.

روش پژوهش

در این پژوهش برای مطالعه تجربی مفاهیم، تلاش شده از روش فازی استفاده شود. عنصر کلیدی در روش فازی تابع عضویت فازی و درجه‌بندی² میزان عضویت در یک مجموعه است. در روش شناسی

1.Elite

2..Calibration

فازی همه چیز به طور نسبی درجه‌بندی می‌شود و حقیقت چیزی بین 0 و 1 است. در این دستگاه معرفتی حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری انتقال می‌یابد و همه چیز تابع اصل عدم قطعیت می‌شود. درجه عضویت اعضای یک مجموعه ارزش‌هایی را در بازه {0-1} اختیار می‌کند. ارزش یک بیان‌گر عضویت کامل و ارزش صفر بیان‌گر عدم عضویت کامل است. در حقیقت این اصل منطق فازی که هر چیزی درجه‌بندی پذیر است، در آزمون تجربی گزاره‌ها نیز صادق است (ساعی، 1388). روش فازی در مقام داوری در باب صدق یا کذب تئوری (فرضیه) متفاوت از روش غیر فازی است. در روش فازی مفهوم مورد سنجش به مثابه یک مجموعه فازی در نظر گرفته می‌شود؛ آنگاه نوع و میزان عضویت اعضاء در آن مجموعه تحلیل می‌گردد. در روش فازی صدق یک گزاره زیر مجموعه فازی یک بازه {0-1} فرض می‌شود. درجه عضویت در مجموعه گزاره‌های فازی مبتنی بر ارزش‌های بین صفر و یک است. ارزش‌های زبانی کاملاً صادق، بینابین و کاملاً غیر صادق به عنوان ارزش‌های نسبت داده شده در بازه صفر و یک تعبیر می‌شوند. بنابراین صدق و کذب گزاره‌ها همواره با درجاتی از عدم قطعیت همراه است (ساعی، 1388).

در این پژوهش درجات فازی مفاهیم بر مبنای ارزش‌های جدول زیر تعیین شده است:

جدول شماره 2. ارزش‌های فازی

درجه بندی	برچسب زبانی
.99	عضویت کامل
.75	بیشتر درون مجموعه
.50	نقطه گذار
.25	بیشتر بیرون از مجموعه
.01	عدم عضویت کامل

به استناد ارزش‌های این جدول مقیاس فازی مفاهیم ساخته شده است.

جمعیت آماری

جمعیت آماری این پژوهش شامل تمامی اعضای احزاب و انجمن‌ها سیاسی فعال می‌باشند، ولی به علت شرایط خاص اجتماعی و سیاسی ایران عملاً آمار درستی از تعداد اعضای انجمن‌ها و احزاب سیاسی در دست نیست. با استناد به این قاعده در شرایطی که دستیابی به واحدهای کثیرامکان پذیر باشد می‌توان به ازای هر مفهوم (یا علت) حداقل 100 مورد را در نظر گرفت (ساعی، 1386: 96). براساس این قاعده و به این علت که این پژوهش حول یک مفهوم (فرهنگ سیاسی) در گردش است، در ابتدا تصمیم گرفته شد که 100 مورد به تفکیک اصلاح طلب و اصول‌گرا مورد بررسی قرار بگیرد، اما زمانی که پژوهش وارد کار میدانی شد، متوجه شدیم که این افراد همکاری لازم را انجام نمی‌دهند،

بنابراین تعداد نمونه‌هایی که باید مورد بررسی قرار می‌گرفت به 80 مورد تقلیل یافت که به تفکیک دو جناح سیاسی، از هر کدام 40 نمونه مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره 3. درجه‌بندی فازی مفاهیم

مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی	درجه بندی فازی
اعتماد سیاسی	اعتماد کامل (199)، اعتماد بیشتر (175)، بینابین (150)، اعتماد کمتر (125)، عدم اعتماد (101).
احساس پاسخ‌گویی مسئولان	احساس پاسخ‌گویی کامل (199)، احساس پاسخ‌گویی بیشتر (175)، بینابین (150)، احساس پاسخ‌گویی کمتر (125)، عدم پاسخ‌گویی (11).
احساس قدرت سیاسی	احساس قدرت سیاسی کامل (199)، احساس قدرت سیاسی بیشتر (175)، بینابین (150)، احساس قدرت سیاسی کمتر (125)، عدم وجود قدرت سیاسی (11).
احساس امنیت سیاسی	احساس امنیت سیاسی کامل (199)، احساس امنیت سیاسی بیشتر (175)، بینابین (150)، احساس امنیت سیاسی کمتر (125)، عدم وجود امنیت سیاسی (11).
حمایت از آزادی بیان	حمایت کامل از آزادی بیان (199)، حمایت بیشتر از آزادی بیان (175)، بینابین (150)، حمایت کمتر از آزادی بیان (125)، عدم حمایت از آزادی بیان (11).
تساهل و مدارا	تساهل کامل (199)، تساهل بیشتر (175)، بینابین (150)، تساهل کمتر (125)، عدم تساهل (11).
احترام به حقوق شهروندی	احترام کامل به حقوق شهروندی (199)، احترام بیشتر به حقوق شهروندی (175)، بینابین (150)، احترام کمتر به حقوق شهروندی (125)، عدم احترام به حقوق شهروندی (11).
فرهنگ نخبگان سیاسی	کاملاً دموکراتیک (199)، بیشتر دموکراتیک (175)، بینابین (150)، کمتر دموکراتیک (125)، کاملاً اقتدارگرا (101).

اعتبار معرف ها

برای تعیین اعتبار معرف ها باید گفت علاوه بر استادان راهنما و مشاور، به پژوهش‌های پیشین¹ و تعدادی از جامعه‌شناسان² رجوع شده است. همچنین برای سنجش اعتبار معرف‌ها از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است و بار عاملی گویه‌ها سنجیده شده است. در نتیجه این تحلیل برخی گویه‌های مربوط به اعتماد سیاسی، احترام به حقوق شهروندی، امنیت سیاسی، قدرت سیاسی، تساهل و مدارا و حمایت از آزادی بیان حذف شد تا همه مفاهیم روی یک عامل قرار بگیرد.

تحلیل تجربی

در این پژوهش تحلیل تجربی در سطح توصیفی³ انجام و توزیع داده‌های تجربی هریک از شاخص‌ها مقایسه شده است. داده‌های تجربی نشان می‌دهد که از کل حجم نمونه، 50 درصد اصول‌گرا و 50 درصد اصلاح طلب می‌باشند. بر همین اساس 100 درصد از اصلاح طلبان مرد بوده‌اند. 82/5 درصد از اصول‌گرایان نیز مرد و 17/5 درصد از آن‌ها زن می‌باشند. از طرف دیگر 25 درصد از اصلاح طلبان در سنین 30-35 قرار دارند. 20 درصد از اصول‌گرایان نیز بین سنین 36-41 و 23-29 قرار دارند که بیشترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. 52/5 درصد از اصول‌گرایان دارای تحصیلات لیسانس می‌باشند. 50 درصد از اصلاح طلبان نیز دارای تحصیلات لیسانس می‌باشند که بیشترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. 97/5 درصد اصلاح طلبان متأهل می‌باشند و 92/5 درصد اصول‌گرایان نیز متأهل می‌باشند که بیشترین حجم نمونه را شامل می‌شود. 22/5 درصد از اصلاح طلبان دارای درآمد ماهانه بین 200-600 و 601-1000 و 1800 هزار تومان به بالا هستند. 32/5 درصد از اصول‌گرایان نیز دارای درآمد ماهانه بین 601-1000 هزار تومان هستند که بیشترین حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. 17/5 درصد از اصلاح طلبان دارای هزینه خانوار در هر ماه بین 400-800 و 801-1200 هزار تومان می‌باشند. 15 درصد از اصول‌گرایان نیز دارای هزینه 1600-2000 هزار تومان می‌باشند که بیشترین حجم نمونه را شامل می‌شود.

اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی نخبگان سیاسی، در سطح بین شخصی و سطح نهادی ارزیابی شده است. اعتماد بین شخصی مبتنی بر روابط بین فردی در یک فضای کنشی محدود است؛ این نوع اعتماد در پژوهش حاضر در تعامل بین نخبگان سیاسی و مسئولان دولت تجلی پیدا می‌کند.

۱. از پژوهش‌های زونیس (1971)، چلبی (1375)، بشیری (1388)، مصلی‌نژاد (1388)، وردی زاده (1384) و مهدی زاده (1387) برای تعیین اعتبار معرف‌ها استفاده شده است.

۲. از دکتر علی انتظاری استاد دانشگاه علامه طباطبایی برای تعیین اعتبار معرف‌ها کمک گرفته شده است.

3. Descriptive Analysis

جدول شماره 4. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه اعتماد بین شخصی بر پایه ارزیابی

اعتماد بین نخبگان سیاسی و مسئولان دولتی

گویه‌ها	جناح سیاسی	.199	.175	.150	.125	.101
1. بیشتر مسئولان دولت در زمینه کار خود متخصص هستند.	اصلاح طلب	0	2/5	22/5	40	35
	اصول‌گرا	0	32/5	65	2/5	0
2. بیشتر مسئولان دولت آنقدر با تجربه هستند که بتوانند وظایف خود را درست انجام دهند.	اصلاح طلب	0	5	15	50	30
	اصول‌گرا	10	27/5	42/5	20	0
3. مسئولان دولت به اندازه کافی نسبت به مردم احساس وظیفه می‌کنند.	اصلاح طلب	2/5	7/5	32/5	25	32/5
	اصول‌گرا	5	35	40	20	0
4. اکثر مسئولان دولت حرف و عملشان یکی است.	اصلاح طلب	0	2/5	15	30	52/5
	اصول‌گرا	0	39/47	42/10	13/5	5/26
5. من نسبت به صداقت و راستگویی مسئولان دولت اعتماد دارم.	اصلاح طلب	0	5	5	35	55
	اصول‌گرا	10	27/5	57/5	5	0
6. اکثر مسئولان در چارچوب قانون عمل می‌کنند.	اصلاح طلب	2/5	0	12/5	50	35
	اصول‌گرا	5	22/5	52/5	20	0
7. شایسته‌سازی در انتخاب مسئولان دولت رعایت می‌شود.	اصلاح طلب	0	12/5	70	15	2/5
	اصول‌گرا	20	17/5	30	25	7/5
8. مسئولان دولت منافع فردی خود را به منافع ملی ترجیح می‌دهند.	اصلاح طلب	20	17/5	30	25	7/5
	اصول‌گرا	0	22/5	40	30	7/5
شاخص اعتماد بین شخصی بر پایه ارزیابی اعتماد بین نخبگان سیاسی و مسئولان دولتی	اصلاح طلب	3/12	5/31	17/5	37/5	36/56
	اصول‌گرا	3/75	27/43	51/2	15/70	1/90

اعتماد کامل (199)، اعتماد بیشتر (775)، بینابین (50)، اعتماد کمتر (25)، عدم اعتماد (1). شواهد تجربی موجود در جدول شماره 4 نشان می‌دهد که بر اساس شاخص اعتماد بین شخصی بر پایه اعتماد بین نخبگان سیاسی و مسئولان دولتی، بیشتر اصلاح طلبان (74/06)، در مجموعه اعتماد کمتر و عدم اعتماد قرار دارند. در حالی که 51/2 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه بینابین هستند که شامل بیشترین فراوانی می‌باشد. در مجموع 17/6 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه اعتماد کمتر و عدم اعتماد قرار دارند که شامل کمترین درصد فراوانی می‌شود.

اعتماد نهادی: شواهد تجربی در جدول شماره 5 نشان می‌دهد که بر اساس شاخص اعتماد نهادی بر پایه ارزیابی اعتماد بین نخبگان سیاسی و نهادهای سیاسی، بیشتر اصلاح طلبان (65/91)، در مجموعه اعتماد کمتر و عدم اعتماد قرار دارند. 9/92 درصد از آنان نیز در مجموعه اعتماد کامل و اعتماد بیشتر قرار دارند که شامل کمترین فراوانی می‌باشد. این در حالی است که 54/91 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه اعتماد کامل و اعتماد بیشتر قرار دارند که شامل بیشترین فراوانی می‌شود. 14/59 درصد از آنان نیز در مجموعه اعتماد کمتر و عدم اعتماد می‌باشند که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره 5. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه اعتماد نهادی بر پایه ارزیابی

اعتماد بین نخبگان سیاسی و نهادهای سیاسی

گویه‌ها	جناح سیاسی	.199	.775	.50	.25	.01
1. من به مجلس شورای اسلامی در تصویب قوانین مربوط به تضمین حقوق شهروندی مانند آزادی بیان و آزادی عقیده اعتماد دارم.	اصلاح طلب	0	2/5	15	45	37/5
	اصول‌گرا	5/26	60/52	26/31	7/89	0
2. من به شورای نگهبان در تایید نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری از حیث توجه به شایسته‌سالاری اعتماد دارم.	اصلاح طلب	2/5	0	5	25	67/5
	اصول‌گرا	25	42/5	27/5	5	0

45	27/5	20	7/5	0	اصلاح طلب	3. من به دادگاہا
2/5	20	40	27/5	10	اصول‌گرا	در خصوص عدالت قضایی مانند عدم تبعیض، رعایت اصل بی‌گناهی افراد اعتماد دارم.
67/5	25	5	2/5	0	اصلاح طلب	4. من به صدا و سیما از جهت صداقت و راست‌گویی در ارائه اخبار، اعتماد دارم.
0	12/5	30	42/5	15	اصول‌گرا	
38/46	46/15	7/69	7/69	0	اصلاح طلب	5. من به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق مدنی مانند حق آزادی بیان اعتماد دارم.
5	0	37/5	42/5	15	اصول‌گرا	
65	25	7/5	2/5	0	اصلاح طلب	6. من به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق مدنی مانند حق اعتراض اعتماد دارم.
0	20	27/5	42/5	10	اصول‌گرا	
23/07	19/23	34/61	15/38	7/69	اصلاح طلب	7. من به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند حق رای دادن اعتماد دارم.
0	0	10	40	50	اصول‌گرا	
26/92	26/92	34/61	7/69	3/84	اصلاح طلب	8. من به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند شدن نماینده شدن اعتماد دارم.
0	0	2/5	47/5	50	اصول‌گرا	
23/07	46/15	19/23	11/53	0	اصلاح طلب	9. من به دولت از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند حق
0	2/5	20	47/5	30	اصول‌گرا	

						برخورداری از عدالت اعتماد دارم.
34/61	42/30	19/23	3/84	0	اصلاح طلب	10. من به دولت
0	27/5	10	37/5	25	اصول‌گرا	از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق سیاسی مانند حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی اعتماد دارم.
15/38	7/69	38/46	30/76	7/69	اصلاح طلب	11. من به دولت
0	7/5	30	37/5	25	اصول‌گرا	از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق آموزش اعتماد دارم.
25/64	17/94	43/58	12/82	0	اصلاح طلب	12. من به دولت
0	2/5	40	47/5	10	اصول‌گرا	از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق مسکن اعتماد دارم.
15/38	3/84	53/84	23/07	3/84	اصلاح طلب	13. من به دولت
0	5	30	50	15	اصول‌گرا	از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق بهداشت اعتماد دارم.
24	24	44	8	0	اصلاح طلب	14. من به دولت
0	22/5	50	12/5	15	اصول‌گرا	از حیث اجرای قوانین مربوط به حقوق اجتماعی مانند حق داشتن درآمد اعتماد دارم.
50	22/5	25	2/5	0	اصلاح طلب	15. وزارت رفاه
0	50	34/21	10/52	5/26	اصول‌گرا	اقدامات مفیدی برای حل مشکلات بیکاری انجام داده است.
50	22/5	25	2/5	0	اصلاح طلب	16. وزارت خانه‌های

13/15	18/42	50	13/15	5/26	اصول‌گرا	دولتی نسبت به حیف و میل بیت المال حساسیت دارند.
65	20	12/5	2/5	0	اصلاح طلب	17. وزرات
7/89	18/42	52/63	21/05	0	اصول‌گرا	خانه‌های دولتی به درستی از ذخایر ارزی موجود بهره برداری می‌کنند.
39/64	26/27	24/13	8/42	1/50	اصلاح طلب	شاخص اعتماد
1/67	12/92	30/48	36/63	18/28	اصول‌گرا	نهادی

اعتماد کامل (0/99)، اعتماد بیشتر (0/75)، بینابین (0/50)، اعتماد کمتر (0/25)، عدم اعتماد (0/1).

شواهد تجربی در جدول شماره 6 نشان می‌دهد که در ارزیابی میزان اعتماد سیاسی، در مجموع بیشتر اصلاح طلبان (69/98) درصد، در مجموعه اعتماد کمتر و عدم اعتماد قرار دارند. 9/17 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه اعتماد کامل و اعتماد بیشتر قرار دارند که شامل کمترین فراوانی می‌باشد. این در حالی است که در مجموع 43/07 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه اعتماد بیشتر و اعتماد کامل قرار دارند که شامل بیشترین فراوانی می‌باشد. 16/09 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه اعتماد کمتر و عدم اعتماد قرار دارند که شامل کمترین فراوانی می‌باشد.

جدول شماره 6. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه اعتماد سیاسی نخبگان

سیاسی						
شاخص اعتماد سیاسی	جناح سیاسی	0/99	0/75	0/50	0/25	0/01
اعتماد بین شخصی	اصلاح طلب	3/12	5/31	17/5	37/5	36/56
	اصول‌گرا	3/75	27/	51/2	15/70	1/90
اعتماد نهادی	اصلاح طلب	1/50	8/42	24/13	26/27	39/64
	اصول‌گرا	18/28	36/63	30/48	12/92	1/67
شاخص اعتماد سیاسی نخبگان سیاسی	اصلاح طلب	2/31	6/86	20/81	31/88	38/1
	اصول‌گر	11/05	32/02	40/84	14/31	1/78

داوری در باب فرضیه اول

اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه اعتماد سیاسی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند. براساس شواهد تجربی این پژوهش حداکثر درجه عضویت در

جناح سیاسی اصول‌گرایان مربوط به مجموعه اعتماد سیاسی کامل و اعتماد سیاسی بیشتر است که 43/07 درصد را شامل می‌شود و حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصلاح‌طلبان مربوط به مجموعه اعتماد سیاسی کمتر و عدم اعتماد سیاسی است که 69/98 درصد را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای مذکور با فرضیه اول سازگار هستند.

احساس پاسخ‌گویی مسئولان دولتی: ارزیابی احساس پاسخ‌گویی مسئولان دولتی از نخبگان سیاسی یکی از مؤلفه‌هایی است که نزدیکی بسیاری با مؤلفه اعتماد بین شخصی به مسئولان دولتی دارد. شواهد تجربی بر اساس جدول شماره 7 نشان می‌دهد که در ارزیابی شاخص احساس پاسخ‌گویی مسئولان دولتی، در مجموع بیشتر اصلاح‌طلبان (88/12) درصد، در مجموعه پاسخ‌گویی کمتر و عدم پاسخ‌گویی قرار دارند. 3/12 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه پاسخ‌گویی بیشتر قرار دارند که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که 47/5 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه بینابین قرار دارند که شامل بیشترین فراوانی می‌شود. 21/87 درصد آن‌ها نیز در مجموعه پاسخ‌گویی کامل و پاسخ‌گویی بیشتر قرار دارند که کمترین فراوانی را شامل می‌شود.

داوری در باب فرضیه دوم

اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح‌طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه احساس پاسخ‌گویی مسئولان دولتی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند. براساس شواهد تجربی این پژوهش حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصول‌گرایان در مجموعه بینابین می‌باشد که 47/5 درصد را شامل می‌شود و حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصلاح‌طلبان در مجموعه احساس پاسخ‌گویی کمتر و عدم احساس پاسخ‌گویی می‌باشد که 88/12 درصد را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای مذکور با فرضیه دوم ناسازگارند.

احساس قدرت سیاسی: ارزیابی احساس قدرت سیاسی یکی از شاخص‌هایی است که از طریق آن می‌توان میزان اعتماد به نفس را در مشارکت سیاسی نخبگان سیاسی را سنجید. شواهد تجربی در جدول شماره 8 نشان می‌دهد که در ارزیابی احساس قدرت سیاسی نخبگان سیاسی، در مجموع بیشتر اصلاح‌طلبان (58/91) درصد، در مجموعه احساس قدرت سیاسی کمتر و عدم احساس قدرت سیاسی قرار دارند. 20/32 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه احساس قدرت سیاسی کامل و احساس قدرت سیاسی بیشتر قرار دارند که شامل کمترین فراوانی است. این در حالی است که در مجموع 45/72 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه احساس قدرت سیاسی کامل و احساس قدرت سیاسی بیشتر قرار دارند که شامل بیشترین فراوانی است. 24/22 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه

احساس قدرت سیاسی کمتر و عدم احساس قدرت سیاسی قرار دارند که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره 7. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه احساس پاسخ‌گویی مسئولان

دولتی

گویه‌ها	جناح سیاسی	.199	.175	.150	.125	.101
1. به نظر من در ایران اگر مردم از مسئولی ناراضی باشند می‌توانند وی را به راحتی مؤاخذه کنند.	اصلاح طلب	0	2/5	10	32/5	55
	اصول‌گرا	5	22/5	27/5	37/5	7/5
2. به نظر من در ایران مسئولان آنقدر صداقت دارند که اگر اشتباهی را مرتکب شوند، اشتباهشان را بپذیرند و از مردم غذر خواهی کنند.	اصلاح طلب	0	2/5	2/5	22/5	72/5
	اصول‌گرا	5	0	55	27/5	12/5
3. به نظر من در ایران اگر مسئولی مرتکب عمل غیر قانونی شود حتماً به خطای وی به صورت عادلانه رسیدگی شده و مجازات می‌شود.	اصلاح طلب	0	2/5	2/5	45	50
	اصول‌گرا	5	17/5	57/5	17/5	2/5
4. به نظر من در ایران اگر شهروندی از یکی از مسئولان شکایت کند، رسیدگی می‌شود.	اصلاح طلب	0	5	20	25	50
	اصول‌گرا	5	27/5	50	15	2/5
شاخص احساس پاسخ‌گویی مسئولان دولتی	اصلاح طلب	0	3/12	8/75	31/25	56/87
	اصول‌گرا	5	16/87	47/5	24/37	6/25

پاسخ‌گویی کامل (199)، پاسخ‌گویی بیشتر (175)، بینابین (150)، پاسخ‌گویی کمتر (125)، عدم پاسخ‌گویی (101). (1.1).

داوری درباب فرضیه سوم

اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه احساس قدرت سیاسی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند. براساس شواهد تجربی این پژوهش حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصول‌گرایان در مجموعه احساس قدرت سیاسی کامل و احساس قدرت سیاسی بیشتر می‌باشد که 45/72 درصد را شامل می‌شود و حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی

اصلاح طلبان در مجموعه احساس قدرت سیاسی کمتر و عدم احساس قدرت سیاسی می‌باشد که 58/91 درصد را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای مذکور با فرضیه سوم سازگارند.

جدول شماره 8. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه احساس قدرت سیاسی

نخبگان سیاسی

گویه‌ها	جناح سیاسی	0/99	. /75	. /50	. /25	. /01
1. سیاست ایران آنقدر پیچیده است که نمی‌توان به راحتی به آن پی برد.	اصلاح طلب	7/9	23/68	31/57	23/8	13/15
	اصول‌گرا	0	26/31	23/68	34/21	15/78
2. به این راحتی نمی‌توانیم حرف‌هایمان را به گوش مسئولان بالا رتبه نظام (ریاست جمهوری، رئیس مجلس و رئیس قوه قضایه) برسانیم.	اصلاح طلب	2/5	5	17/5	42/5	32/5
	اصول‌گرا	5	25	40	17/5	12/5
3. مسئولان بالا رتبه نظام (ریاست جمهوری، رئیس مجلس و رئیس قوه قضایه) عملاً دسترس ناپذیر هستند.	اصلاح طلب	2/5	10	15	47/5	25
	اصول‌گرا	0	42/5	17/5	27/5	12/5
4. تمام تصمیمات نظام را عملاً چند نفر اندک می‌گیرند.	اصلاح طلب	0	5/12	10/25	28/20	56/41
	اصول‌گرا	22/5	40	0	15	2/5
5. در صورت نیاز توانایی این را داریم که برخی از مسئولان دولتی (قوه اجرایی) را تغییر دهیم.	اصلاح طلب	3/4	38/41	7/9	0	50
	اصول‌گرا	5/26	52/3	34/21	0	7/89
6. در صورت نیاز این توانایی را داریم که برخی قوانین را در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسانیم.	اصلاح طلب		23/07	42/30	0	34/61
	اصول‌گرا	21/05	34/21	44/73	0	0
شاخص احساس قدرت سیاسی نخبگان سیاسی	اصلاح طلب	2/78	17/54	20/71	23/64	35/27
	اصول‌گرا	8/96	36/6	30/2	15/70	8/52

احساس قدرت سیاسی کامل (0/99)، احساس قدرت سیاسی بیشتر (0/75)، بینابین (0/50)، احساس قدرت سیاسی کمتر (0/25)، عدم وجود قدرت سیاسی (0/1).

احساس امنیت سیاسی: احساس امنیت سیاسی یکی از پیامدهای وجود اعتماد سیاسی در بین نخبگان سیاسی است.

شواهد تجربی در جدول شماره 9 نشان می‌دهد که در ارزیابی احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی، در مجموع بیشتر اصلاح طلبان (78/33) درصد، در مجموعه احساس امنیت کمتر و عدم احساس امنیت قرار دارند. 4/99 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه احساس امنیت سیاسی کامل و

احساس امنیت سیاسی بیشتر قرار دارند که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که در مجموع 55/83 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه احساس امنیت سیاسی کامل و احساس امنیت سیاسی بیشتر قرار دارند که بیشترین فراوانی را شامل می‌شود. 16/66 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه احساس امنیت سیاسی کمتر و عدم احساس امنیت سیاسی قرار دارند که کمترین فراوانی را شامل می‌شود.

جدول شماره 9. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه احساس امنیت سیاسی

نخبگان سیاسی

گویه‌ها	جناح سیاسی	. /99	. /75	. /50	. /25	. /01
1. در ایران می‌توان بدون ترس به عملکرد دولت انتقاد کرد.	اصلاح طلب	0	2/5	25	30	42/5
	اصول‌گرا	2 0	27/5	37/5	15	0
2. در ایران می‌توان بدون ترس از دولت فعالیت سیاسی انجام داد.	اصلاح طلب	0	5	5	45	45
	اصول‌گرا	22/5	1 0	35	30	2/5
3. نظام جمهوری اسلامی ایران جان، مال و حقوق همه ایرانیان را محترم می‌شمارد.	اصلاح طلب	5	2/5	20	25	47/5
	اصول‌گرا	50	37/5	1 0	2/5	0
شاخص احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی	اصلاح طلب	1/66	3/33	16/66	33/33	45
	اصول‌گرا	30/83	25	27/5	15/83	. /83

احساس امنیت سیاسی کامل (99/.)، احساس امنیت سیاسی بیشتر (75/.)، بینابین (50/.)، احساس امنیت سیاسی کمتر (25/.)، عدم وجود امنیت سیاسی (1/.)

داوری در باب فرضیه چهارم

اصول‌گرایان بیشتر عضو و اصلاح طلبان بیشتر غیر عضو زیر مجموعه احساس امنیت سیاسی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند. براساس شواهد تجربی این پژوهش حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصول‌گرایان در مجموعه احساس امنیت سیاسی کامل و احساس امنیت سیاسی بیشتر می‌باشد که 55/83 درصد را شامل می‌شود و حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصلاح طلبان در مجموعه احساس امنیت سیاسی کمتر و عدم احساس امنیت سیاسی می‌باشد که

78/33 درصد را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای مذکور با فرضیه چهارم سازگار است.

حمایت از آزادی بیان: حمایت از آزادی بیان یکی از شاخص‌های اصلی فرهنگ سیاسی دموکراتیک است.

شواهد تجربی در جدول شماره 10 نشان می‌دهد که در مجموع بیشتر اصلاح طلبان (96/99) درصد، در مجموعه حمایت کامل از آزادی بیان و حمایت بیشتر از آزادی بیان قرار دارند. 1/52 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه حمایت کمتر از آزادی بیان و عدم حمایت از آزادی بیان قرار دارند که شامل کمترین فراوانی می‌شود. این در حالی است که در مجموع 40/72 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه حمایت کمتر از آزادی بیان و عدم حمایت از آزادی بیان قرار دارند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و 25/05 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه بینابین قرار دارند که شامل کمترین فراوانی می‌شود.

داوری در باب فرضیه پنجم

اصول‌گرایان بیشتر غیر عضو و اصلاح طلبان بیشتر عضو زیر مجموعه حمایت از آزادی بیان از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند. براساس شواهد تجربی این پژوهش حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصول‌گرایان در مجموعه حمایت کمتر از آزادی بیان و عدم حمایت از آزادی بیان می‌باشد که 40/72 درصد را شامل می‌شود و حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصلاح طلبان در مجموعه حمایت کامل از آزادی بیان و حمایت بیشتر از آزادی بیان می‌باشد که 96/99 درصد را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای مذکور با فرضیه پنجم سازگار است.

تساهل و مدارا: تساهل و مدارا یکی از شاخص‌های مهم فرهنگ سیاسی است که نشان دهنده میزان تحمل دولت‌ها در برابر نظرات مخالف است.

شواهد تجربی در جدول شماره 11 نشان می‌دهد که در ارزیابی تساهل و مدارای نخبگان سیاسی، بیشتر اصلاح طلبان (94/94) درصد در مجموعه تساهل کامل و تساهل بیشتر قرار دارند. 2/2 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه تساهل کمتر و عدم تساهل قرار دارند که شامل کمترین فراوانی می‌شود. این در حالی است که 38 درصد از اصول‌گرایان نیز در مجموعه تساهل کمتر و عدم تساهل قرار دارند که شامل بیشترین فراوانی می‌باشد. 30/38 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه بینابین قرار دارند که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره 10. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه حمایت از آزادی بیان

گویه‌ها	جناح سیاسی	. /99	. /75	. /50	. /25	. /01
1. روزنامه‌ها باید آزاد باشند تا واقعیت را هر چه هست بنویسند و دولت حق ندارد جلوی آن‌ها را بگیرد.	اصلاح طلب	84/21	15/8	2/63	0	2/3
	اصول‌گرا	10	22/5	27/5	32/5	2/5
2. هر فرد یا گروهی حق دارد در روزنامه، مجله یا کتاب از حکومت، افراد و سازمان‌های وابسته انتقاد کند.	اصلاح طلب	72/5	25	0	2/5	0
	اصول‌گرا	10	25	4 0	2 5	0
3. وجود رادیو و تلویزیون خصوصی در کشور که تحت کنترل دولت نباشد به نفع همه مردم است.	اصلاح طلب	72/5	22/5	5	0	0
	اصول‌گرا	0	21/05	5/26	57/89	15/78
4. دولت حق ندارد مانع استفاده مردم از رادیو و تلویزیون‌های خارجی یا اینترنت بشود.	اصلاح طلب	80	17/5	2/5	0	0
	اصول‌گرا	5	30	32/5	2 0	12/5
5. باید نهادهایی برای صیانت از آزادی بیان تاسیس شود.	اصلاح طلب	75	20	2/5	2/5	0
	اصول‌گرا	15	27/5	20	15	22/5
شاخص میزان حمایت از آزادی بیان	اصلاح طلب	76/84	20/15	2/52	1	. /52
	اصول‌گرا	8	25/21	25/05	30/07	10/65

حمایت کامل از آزادی بیان (99/0)، حمایت بیشتر از آزادی بیان (75/0)، بینابین (50/0)، حمایت کمتر از آزادی بیان (25/0)، عدم حمایت از آزادی بیان (1/0).

داوری در باب فرضیه ششم

اصول‌گرایان بیشتر غیر عضو و اصلاح‌طلبان بیشتر عضو زیر مجموعه تساهل و مدارا از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند. براساس شواهد تجربی این پژوهش حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصول‌گرایان در مجموعه تساهل کمتر و عدم تساهل است که 38 درصد را شامل می‌شود و حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصلاح‌طلبان در مجموعه تساهل کامل و تساهل بیشتر است که 94/94 درصد را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای مذکور با فرضیه ششم سازگار است.

احترام به حقوق شهروندی: یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک احترام به حقوق شهروندی است.

شواهد تجربی جدول شماره 12 نشان می‌دهد که در ارزیابی احترام به حقوق شهروندی، در مجموع بیشتر اصلاح طلبان (90/41) درصد در مجموعه احترام بیشتر به حقوق شهروندی و احترام کامل به حقوق شهروندی قرار دارند. 3/02 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه احترام کمتر به حقوق شهروندی و عدم احترام به حقوق شهروندی قرار دارند که کمترین فراوانی را شامل می‌شود. این در حالی است که 39/11 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه احترام کمتر به حقوق شهروندی و عدم احترام به حقوق شهروندی قرار دارند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. 28/75 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه بینابین قرار دارند که کمترین فراوانی را شامل می‌شود.

داوری در باب فرضیه هفتم

اصول‌گرایان بیشتر غیر عضو و اصلاح طلبان بیشتر عضو زیر مجموعه احترام به حقوق شهروندی از مجموعه فرهنگ سیاسی هستند. براساس شواهد تجربی این پژوهش حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصول‌گرایان در مجموعه احترام کمتر به حقوق شهروندی و عدم احترام به حقوق شهروندی می‌باشد که 39/11 درصد را شامل می‌شود و حداکثر درجه عضویت در جناح سیاسی اصلاح طلبان در مجموعه احترام کامل به حقوق شهروندی و احترام بیشتر به حقوق شهروندی می‌باشد که 90/41 درصد را شامل می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای مذکور با فرضیه هفتم سازگار است.

جدول شماره 11. توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه تساهل و مدارای نخبگان

سیاسی						
گروه‌ها	جناح سیاسی	. /01	. /5	. /50	. /75	. /99
1. دولت باید به مخالفانش اجازه دهد عقاید خود را آزادانه برای همه بیان کنند.	اصلاح طلب	0	0	2/5	15	82/5
	اصول‌گرا	0	0	45	45	10
2. برای کسانی که به اسلام اعتقاد ندارند هم باید اجازه داد به راحتی عقاید خود را بیان کنند.	اصلاح طلب	0	0	7/5	20	72/5
	اصول‌گرا	32/5	17/5	25	25	0
3. منتقدان دولت نیز حق دارند در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا داشته باشند.	اصلاح طلب	0	0	0	10	90
	اصول‌گرا	5	5	22/5	47/5	20
4. کسانی که به هیچ دینی اعتقاد ندارند حق دارند در سازمان‌های دولتی استخدام شوند.	اصلاح طلب	0	7/69	10/25	25/64	56/41
	اصول‌گرا	47/5	20	17/5	12/5	2/5

تحلیل فرهنگ سیاسی....

0	2/5	0	15	82/5	اصلاح طلب	5. هیچ کس حق ندارد فردی را به دلیل آنکه حرفی علیه حکومت زده است، دستگیر کند.	
11/11	11/11	41/66	30/5	5/5	اصول‌گرا		
7/5	0	2/5	25	65	اصلاح طلب	6. بعد از اتفاقاتی که پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری افتاد، حزب مشارکت همچنان می‌تواند مانند احزاب دیگر به فعالیت خود ادامه دهد.	
36/4	34/21	18/42	10/52	0	اصول‌گرا		
0	0	0	10	90	اصلاح طلب	7. مردم باید در پذیرفتن آرا و نظریات جدید آزاد گذاشته شوند.	
5/40	2/70	45/94	43/24	2/70	اصول‌گرا		
0	0	0	12/82	87/17	اصلاح طلب	8. فیلم‌هایی که مخالفت خود را با سیاست‌های دولت مطرح می‌کنند باید اکران شوند.	
5/40	37/83	27/02	24/32	5/40	اصول‌گرا		
	. /93	1/27	2/84	16/68	78/26	اصلاح طلب	9. شاخص میزان تساهل و مدارای نخبگان سیاسی
21/96	16/04	30/38	25/82	5/76	اصول‌گرا		

تساهل کامل (199)، تساهل بیشتر (175)، بینابین (150)، تساهل کمتر (25)، عدم تساهل (11).

جدول شماره 12. توزیع درجه درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در زیر مجموعه احترام به حقوق

شهروندی

گویه‌ها	جناح سیاسی	. /99	. /75	. /50	. /25	. /01
1. رای مردم در انتخابات باید با مراجع دینی سازگار باشد.	اصلاح طلب	55	35	5	5	0
	اصول‌گرا	5/2	20/51	23/07	46/15	12/5
2. تصمیم دولت برای ندادن مجوز به اعتراضات درست است.	اصلاح طلب	77/5	17/5	2/5	2/5	0
	اصول‌گرا	5/40	5/4	43/24	35/13	10/81
3. هر فردی حق شرکت در تشکل‌های مدنی را دارد.	اصلاح طلب	90	10	0	0	0
	اصول‌گرا	20/51	38/46	35/89	0	5/21
4. نوع پوشش می‌تواند آزاد باشد	اصلاح طلب	52/5	30	15	2/5	0
	اصول‌گرا	0	21/62	10/81	32/43	35/3

2/56	2/56	10/25	0 23/7	61/53	اصلاح طلب	5. وظیفه مقابله با بدحجابی بر دوش نیروی انتظامی است و آن‌ها باید جدی با این موضوع برخورد کنند.
5/12	20/51	30/76	23/07	20/51	اصول‌گرا	
. /51	5 2/1	6/5	23/11	67/30	اصلاح طلب	شاخص احترام به حقوق شهروندی
12/27	26/84	28/75	21/81	10/30	اصول‌گرا	

احترام کامل به حقوق شهروندی (199/). احترام بیشتر به حقوق شهروندی (175/). بینابین (150/). احترام کمتر به حقوق شهروندی (125/). عدم احترام به حقوق شهروندی (1/1).

جمع‌بندی

پس از بررسی تک تک شاخص‌ها و داوری در باب فرضیه‌های پژوهش باید تمام شاخص‌ها را در کنار هم قرار داد تا شاخص فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران نیز مشخص شود تا بتوانیم براساس شواهد تجربی به دست آمده در باب دموکراتیک و اقتدارگرا بودن فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران نیز داوری کنیم.

شواهد تجربی در جدول شماره 13 نشان می‌دهد که در ارزیابی فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران، در مجموع بیشتر اصلاح طلبان (45/67) درصد، در مجموعه فرهنگ سیاسی کاملاً دموکراتیک و فرهنگ سیاسی بیشتر دموکراتیک قرار دارند. 11/26 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه بینابین قرار دارند که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که در مجموع 37/62 درصد از اصول‌گرایان در مجموعه فرهنگ سیاسی کاملاً دموکراتیک و فرهنگ سیاسی بیشتر دموکراتیک قرار دارند. 29/29 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه فرهنگ سیاسی کمتر دموکراتیک و فرهنگ سیاسی اقتدارگرا قرار دارند که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره 13. مقایسه توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان در مجموعه فرهنگ سیاسی نخبگان

سیاسی ایران

شاخص‌ها	جناح سیاسی	. /99	. /75	. /50	. /25	. /01
اعتماد	اصلاح طلب	2/31	6/86	20/81	31/88	38/1
سیاسی	اصول‌گرا	11/05	32/2	40/84	14/31	1/78
احساس	اصلاح طلب	0	3/12	8/75	31/25	56/87
پاسخ‌گویی	اصول‌گرا	5	16/87	47/5	24/37	6/25
احساس	اصلاح طلب	2/78	17/54	20/71	23/64	35/27

8/52	15/70	30/02	36/76	8/96	اصول‌گرا	قدرت سیاسی
45	33/3	16/66	3/33	1/66	اصلاح طلب	احساس
.83	15/83	27/5	25	30/83	اصول‌گرا	امنیت سیاسی
.52	1	2/52	20/15	76/84	اصلاح طلب	احترام به
10/65	30/07	25/05	25/21	8	اصول‌گرا	آزادی بیان
.93	1/27	2/84	16/68	78/26	اصلاح طلب	تساهل مدارا
21/96	16/04	30/38	25/82	5/76	اصول‌گرا	احترام به
.51	2/51	6/55	23/11	67/30	اصلاح طلب	حقوق شهروندی
12/27	26/84	28/75	21/81	10/30	اصول‌گرا	شاخص
25/0	17/84	11/26	12/94	32/73	اصلاح طلب	فرهنگ سیاسی
8/85	20/44	32/86	26/21	11/41	اصول‌گرا	نخبگان سیاسی

فرهنگ سیاسی کاملا دموکراتیک (199)، فرهنگ سیاسی بیشتر دموکراتیک (175)، بینابین (150)، فرهنگ سیاسی کمتر دموکراتیک (125)، فرهنگ سیاسی کاملا اقتدارگرا (101).

نتیجه‌گیری

اکنون باید دید که نتایج تحلیل تا چه اندازه با تئوری این پژوهش سازگاری یا تناقض دارد. در دستگاه نظری این پژوهش، جهت‌گیری نخبگان سیاسی ایران تابعی از اعتماد سیاسی، احساس پاسخ‌گویی، احساس قدرت سیاسی، احساس امنیت سیاسی، حمایت از آزادی بیان، تساهل و مدارا و احترام به حقوق شهروندی در نظر گرفته شده است.

در این بخش سعی در تکمیل دستگاه مفهومی این پژوهش شده است. با نگاهی کوتاه به نتایج به دست آمده به مسئله دار بودن این نتایج پی می‌بریم، با این که بیشتر اصلاح طلبان در فرهنگ سیاسی دموکراتیک عضویت دارند ولی 43/14 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه فرهنگ سیاسی اقتدارگرا قرار می‌گیرند و از آن طرف بخشی از اصول‌گرایان (37/62) درصد، نیز در مجموعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک عضویت دارند و فقط 29/29 درصد از اصول‌گرایان تنها در مجموعه اقتدارگرا عضویت دارند این در حالی است که در بین اصلاح طلبان این رقم فاصله زیادی با اصول‌گرایان دارد.

به همین منظور باید ابتدا به شاخص‌های مدل مفهومی این پژوهش رجوع کرد. اگر فرض کنیم که این شاخص‌ها می‌تواند نشان دهنده دموکراتیک یا اقتدارگرا بودن فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران باشد با بررسی شواهد تجربی مشاهده می‌شود که هرچه ارتباط شاخص‌ها با نظام سیاسی بیشتر شده، نتایج به دست آمده هم بیشتر برخلاف تصور شده است، ولی هر چه ارتباط شاخص‌ها با نظام سیاسی کمتر شده، نتایج موافق تصور به دست آمده است. به زبان دیگر می‌توان گفت که هرچه

شاخص‌ها به عوامل بیرونی و محیطی بیشتر مربوط بودند نتایج معکوس شده است و هر چه به دیدگاه‌های تکثرگرا نزدیک شدند نتایج موافق تصور به دست آمده است. به‌عنوان مثال در شاخص‌های اعتماد سیاسی (اعتماد به مسئولان دولتی و اعتماد نهادی)، احساس پاسخ‌گویی مسئولان دولتی، احساس قدرت سیاسی و امنیت سیاسی که بیشتر به نظام سیاسی مربوط هستند، نتایج برخلاف تصور به دست آمده است و شاخص‌های حمایت از آزادی بیان، تساهل و مدارا و احترام به حقوق شهروندی که دیدگاه‌های تکثرگرا بیشتر در آن دخیل هستند، نتایج موافق تصور به دست آمده است. براساس شواهد به دست آمده می‌توان شاخص‌ها را به دو گروه تقسیم کرد، که در جدول شماره 14 نمایش داده شده است.

مدل مفهومی این پژوهش به آزمون تجربی گذاشته شده است، برای مقایسه فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران می‌توان از این مدل استفاده کرد و شاخص‌های مختلف را بین نخبگان سیاسی مورد تحلیل قرار داد اما برای گونه شناسی دموکراتیک یا اقتدارگرا بودن نخبگان سیاسی ایران این مدل مفهومی نیاز به اصلاح و بازسازی دارد در این گونه شناسی باید بیشتر به شاخص‌های تکثرگرا^۱ توجه شود و به علت شرایط خاص اجتماعی - سیاسی ایران از شاخص‌های نظام مدار چشم‌پوشی شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین نخبگان سیاسی در ایران از دیدگاه فرهنگ سیاسی، شکاف وجود دارد و این تفاوت فرهنگی آن‌ها را در دو گروه متفاوت قرار می‌دهد که باعث می‌شود که هرکدام از نقطه نظرهای فرهنگی خود به مسائل سیاسی و اجتماعی بنگرند و آن‌ها را تحلیل کنند. با کمی مذاقه در یافته‌های تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که این موضوع از تفاوت فرهنگی بین دو گروه سیاسی نیز فراتر رفته است و حتی به ساختارهای کلان سیاسی نیز کشیده شده است. زیرا بر اساس یافته‌ها اعتماد سیاسی اصلاح طلبان به نهادهای رسمی سیاست در ایران بسیار پایین است این عدم اعتماد نشان دهنده این است که شکاف بین دو گروه سیاسی کمی فراتر از نظرها و عقاید است بلکه وارد مسائل ساختی و کلان جامعه نیز می‌شود.

جدول شماره 14. تقسیم‌بندی شاخص‌های فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی

شاخص‌های تکثرگرا	شاخص‌های نظام مدار
حمایت از آزادی بیان، تساهل و مدار و احترام به حقوق شهروندی	اعتماد سیاسی، احساس پاسخ‌گویی، احساس قدرت سیاسی و احساس امنیت سیاسی

۱. شاخص‌های تکثرگرا اشاره به احترام به تنوع افکار و عقاید دارد.

منابع

- آرون، ریمون (1386). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آلموند، گابریل و جی بینگهام پاول (1375)، *جامعه پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی*، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره 114 و 113.
- ابراهیم آبادی، غلامرضا (1384) *ف کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- بشیریه، حسین (1388)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، چاپ اول، تهران: گام نو.
- (1382)، *جامعه شناسی ایران معاصر*، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.
- پای، لوسین (1380)، *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا سروی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چلبی، مسعود (1375)، *جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- زونیس، ماروین (1387)، *روانشناسی نخبگان سیاسی ایران*، ترجمه پرویز صالحی، سلیمان امین زاده و زهرا لبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- ساعی، علی (1386)، *روش تحقیق علوم اجتماعی*، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- (1386)، *دموکراتیزاسیون در ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
- (1388)، "معرفت‌شناسی فازی و دلالت‌های روش‌شناختی آن در علوم اجتماعی"، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ویژه نامه روش شناسی، دوره سوم، شماره 4
- (1389)، *تحلیل فازی اعتماد اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- سروانی، علی (1383)، *بررسی مقایسه‌ای فرهنگ سیاسی نخبگان مذهبی در قبال نظام سلطنتی ایران در سال‌های (1332-1357)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سریع‌القولم، محمود (1377)، "مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 135-136.
- سید امامی، کاووس (1376)، *فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی در ایران (1322-1357)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- سمیح فارسون و مهرداد مشایخی (1387) *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*؛ ترجمه معصومه خالقی؛ چاپ دوم؛ تهران: نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- قیصری، نورالله (1380)؛ *نخبگان و تحول فرهنگ سیاسی در ایران: از نهضت تحریم تنباکو تا تغییر سلطنت 1304 ه ش*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- مهدی زاده، مهراں (1387)، *بررسی میزان مشارکت انتخاباتی شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- نصرتی نژاد، فرهاد (1379)، *بررسی فرهنگ سیاسی گروه‌های سیاسی ایران (با تکیه بر تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و بیانیه‌های گروه‌های جامعه روحانیت، مجمع روحانیون، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جمعیت مؤتلفه در سال‌های 1375-1377)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- وردی زاده، نسرین (1385)، *تحلیل نگرش گروه‌های سیاسی درون حاکمیت نسبت به نقش مردم در نظام سیاسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده امام خمینی.

- Almond, Gabriel and Sidney Verba(1965),Civic culture,Political Attitudes and Democracy in five nation,Boston:Little,Brown and Company.
- Almond,Gabriel and G.Bingham powell.(1975),Comparative politics: Adevelopment Aproach,Boston:Little,Brown and Company.
- Elazar,D.(1984),American Federalism:A view from the states(3rd ed.),new york: Harper and Row.
- Rosenbaum,walter,(1975)Political Culture,
- Tessler,M.(2011),Public opinion in the middle east: survey reaserch and the political orientations of ordinary citizens,Indiana:Indiana university press.
- Zonis,M.(1971),The Political Elite Of Iran.New Jersey: Princeton University Press.